اراده اعم از واجب و مستحب در تعبیر «ما فی الذمه» در کلام سید

علی‌ای حال ایشان می‌گویند «ظاهر المتن». حالا من از متن نکته‌ای را عرض می‌کنم تا برگردیم و ببینیم. مرحوم سید در فرض سوم دو تا «ان» داشتند. «ان کان و ان کان». در فرض چهارم دارند «بنیة القربة المطلقه»، در آن «ان» ندارند. «بقصد ما فی الذمه»؛ آن چه در ذمه او است. خب اگر به عروه چندحاشیه‌ای مراجعه کرده باشید، عده‌ای گفته‌اند خب باید یک واجبی در ذمه او باشد، و الا اگر نباشد در روزه مستحبی قصد ما فی الذمه معنا ندارد.

خب آیا منظور مرحوم سید این بوده که واجبی بر ذمه او باشد؟ معلوم نیست. چرا؟ چون در فرض سوم اصلاً ریخت عبارت، اینطور است: «**ان کان من شعبان کان ندبا او قضاء**»؛ یعنی هم ندب را می‌آورند و هم وجوب را. در اینجا می‌گویند **«بقصد ما فی الذمه»؛** یعنی ندبا را قبلاً گفته‌اند؛ نمی‌شود که ندب منظور ایشان نباشد. بنابراین یکی از مواضع خوب متن عروه که باید یادداشت کرد همینجا است. به گمانم اصطلاح رایجی است که سید توسعه داده‌اند و توسعه خوبی است. توسعه‌ی پر فایده‌ای است و باید قدر آن را دانست و یادداشت کرد. اگر کسی به شما گفت که از کجا می‌گویید، بگویید از متن عروه. سید کلمه ما فی الذمه را در اعم از وجوب و ندب به کار برده‌اند. و لذا عده‌ای که تعلیقه زده‌اند که اگر واجبی در ذمه او هست، بر آن قصدی که سید دارند و توسعه‌ای که ایشان می‌دهند ظاهراً تفاوتی نمی‌کند. ذمه یعنی چه؟ یعنی ذمه، یعنی عهده. خب مستحبات که در عهده ما نیست. یعنی چه که بگویند آن چه که در ذمه من است؟! اینکه روزه مستحبی شعبان است یا روزه واجب ماه مبارک. من که عهده و ذمه‌ای ندارم.

6:32

خب به این معنا که ذمه را عهده و ذمه تکلیفی وجوبی بگیریم درست است. تعلیقات هم آمده است. اما چه مانعی دارد که وقتی ذمه را به‌معنای عهده می‌گیریم هر نوع تکلیفی را متناسب آن تکلیف بر عهده خودمان قرار بدهیم؟! مستحب هم استحبابا بر عهده ما است. چرا وقتی واژه ذمه‌ی به این خوبی را داریم و قابل توسعه هم هست، در یک کاربرد ضیقی آن را قرار بدهیم و نتوانیم در موارد دیگری از آن استفاده کنیم؟!

بازبینی #1
ایجاد شده 21 مه 2026 12:57:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 مه 2026 12:58:09 توسط ... .